

۱- زمانی که فاعل محصور باشد

۲- هرگاه مفعول غیر متصل و فاعل اسم ظاهر باشد

۳- هرگاه چیزی به فاعل متصل شود گویا مفعول بر گردد

موارد تقدیر و جوابی مفعول  
بر فاعل

مثلاً: گفته شد که حصیر با انبار در ابتدای جمله و یا با ادات نفی در ابتدا و الا صورت

می گیرد و همیشه آیه می خواهد محصور شود در انتهای عبارت قرار می گیرد.

۱- مَا هَدَى النَّاسَ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ  
ادات نفی      مفعول      حرف انشاء      فاعل  
و جواباً مقدم بر فاعل      محصور شده

انها - فقط انما هَدَى النَّاسَ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ  
ادات محصر      مفعول      فاعل  
محصور شده

۲- اَفَادَنِي كُلُّ مَلِكٍ  
مفعول      فاعل      مضاف الیه

مفعول به، غیر (ی مضمون شده) متصل به مفعول و فاعل اسم ظاهر (ضام)

۳- وَإِذَا جِئَیْكَ ابْرَاهِیمُ رَبُّوْهُ  
مفعول به      مفعول به      فاعل      غیر مضاف الیه متصل به فاعل بر می گردد به مفعول به



**نکته ۸** در «مَأْخُذُ النَّاسِ إِلَّا الَّذِينَ الْقِيَمَ» اگر فاعل بر مفعول مقدم شود

حصر بر روی مفعول صورت می گیرد در حالی که این خلاف مراد و مقصود ماست چرا که

همی خواهیم حصر روی فاعل صورت گیرد پس باید مفعول پیش از فاعل بیاید.

**نکته ۹** در جمله «أَفَادَنِي طَائِفٌ» همزه ی «فَ» غیر منقطه و جمله مفعول است و پیش

از فاعل که اسم ظاهر صدام است آورده چرا؟ به دلیل اینکه ما برای مقدم کردن فاعل

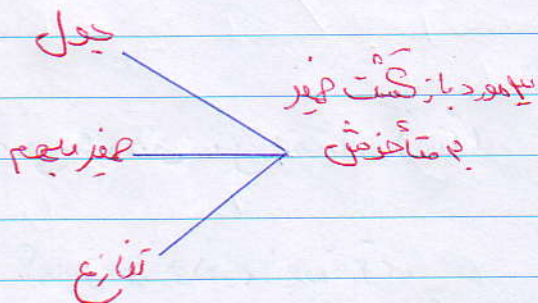
به مفعول نیاز به غیر منقطع داشتیم که چون ندانیم و همزه ما منقطع است مفعول بر

فاعل مقدم شده است.

**نکته ۱۰** در جمله «ابْنُ اِبْرَاهِيمَ رَجُلٌ» ابراهیم مفعول مقدم بر فاعل شده و همزه

منقطع به فاعل به مفعول برمی گردد چرا؟ عین مرجع همزه ما قبلش است و چنانکه

ابراهیم بود رَجُلٌ می آید به مرجع متأخرش برمی گشت که این معنوع است.









۱- قرینه معنوی

مورد تقدم جوازی  
مفعول بر فاعل

۲- قرینه لفظی

موسی معنی لا یحیدر

فَهِمُ الْمَعْنَى مُوسَى  
مفعول فاعل

۱- قرینه معنوی :

در این مورد بر اساس معنی، مفعول بر فاعل مقدم می شود البته جایزاً "لغوی"

جایزه مفعول بر فاعل مقدم می تواند مقدم نشود. در حقیقت فوق اگر معنی

مفعولی صورت گیرد می شود: یحیدر معنی موسی است که این معنی غلط است.

زرد برادر تورا امیر

ضَرْبُ أَخِي الْأَمِيرِ  
مفعول فاعل

۲- قرینه لفظی :

مفعول	مفعول	مفعول	مفعول
ضرب	أخي	الأمير	مفعول
مفعول	مفعول	مفعول	مفعول
مفعول	مفعول	مفعول	مفعول
مفعول	مفعول	مفعول	مفعول
مفعول	مفعول	مفعول	مفعول

۱- زمانی که مفعول بعد مقدم می آید یعنی از کلمات مورد تطلب باشد

۲- زمانی که مفعول بعد از فاعل جزا و در جواب و اها واقع شود  
و هیچ مفعولی پس از خود نداشته باشد. (مانند مفعول ضربه)

۳- هرگاه مفعول همراه غیر مفضل بیاید.

مورد تقدم جوی  
مفعول بر فاعل  
د فاعل



۱- از موارد تقدم جوبی مفعول بر فاعل و فاعل  
 محالیت فعل : مفعول به از راهای ۲ در ارت طلب باشد.

کُنْ رَأِيْتُ؟ «چه کسی را دیدم؟»  
 مفعول به فعل فاعل : حضرت محمد ص  
 ادات شرط، اساءه در ارت طلب

۲- از موارد تقدم جوبی مفعول بر فاعل و فاعل  
 محالیت نعم : زمانی که جمله با انا تفسیر شروع و فاعل جزا به دنبالش بیاید و همایش  
 انا و فاعل جزا فاصله ایجاد شود. (فاصله هر چیزی می تواند باشد  
 اگر در جمله غیر مفعول به نباشد یا ضمیر و جواب مفعول به بر مفعول و  
 فاعل باید وقت شود.

وَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ «اما یتیم را بیازار»  
 انا تفسیر مفعول به فاعل جزا فعل و فاعل : انت و انت  
 مقدم بر مفعول و فاعل  
 و جواباً

نکته : انا تفسیر در تفسیرش جواب شرط باید بیاید «معا یکن من می و»  
 ادات شرط و

أَمَّا الْيَوْمَ فَأَدِّ واجِبُک «اما امروز، روزی که انجام شود و اجبات تو»  
 انا تفسیر مفعول به فاعل جزا مفعول به

در جمله بالا مفعول به مقدم نشد زیرا در جمله ظرف الیوم تا ما بین انا و فاعل جزا قرار گیرد.

- ۱۲- از موارد توتر و جوبی مفعول بر مفعول فاعل  
حالت سوم: حرفه مفعول همراه ضمیر متصل بیاید.

ایاک تُعَبِّدُ  
مفعول ج، ضمیر متصل مفعول فاعل: ایت متعبر  
مفعولاً مقدم بر مفعول و فاعل  
«تو را می پرستم»

نکته: زمانی که ضمیر متصل بود الّا واقع شود و جوباً در آخر قرار می گیرد.

لَا تُعَبِّدُ إِلَّا إِيَّائِي  
حرف استثناء مفعول به و جوباً موصلاً الّا قرار گرفته  
«منی پرستم مگر تو را»

نائب الفاعل

درس ۱۵

نائب فاعل چیست؟

نائب فاعل اسم مرفوعی است که مقدم می شود بر او فعل مجهول و فعل مجهول بعد

دادنی شود به نائب فاعل  
ضرب زید  
فعل مجهول نائب فاعل  
مافقی مرفوع، مفعول  
«زید زده شد»

نکته اول: چنانچه فعل ماضی یا مفعولی داشته باشیم، فاعل حذف می شود و

مفعول در جای فاعل نشاند پس مرفوع می شود و لفظی می شود نائب فاعل و فعل هم



اگر ماضی بود بر فعل "فَعِلَ" و اگر مضارع بود بر فعل "فَعْلٌ" مجهول

ضَرَبَ ~~عَلَى~~ زيدا

می‌شود

ضَرَبَ زيدا

فعل مجهول نائب فاعل مرفوع

نکته ۲: تمام افعال ۳ فاعل و فعل معلوم بر نائب فاعل و فعل مجهول جاری است.

نکته ۳: اسم مفعول و فعل مجهول ضمایم دارند در مرفوع کردن نائب فاعل

مضروب ~~بِ~~ اخوه  
اسم مفعول

ضرب ~~بِ~~ اخوه  
فعل مجهول

نکته ۴: فعل مجهول باید مقصور باشد

۳۲: اگر در نظر داشتیم فعل معلومی مجهول کنیم که دارای چه مفعول است؟

اولین مفعول بفعل نائب فاعل رفع داده می‌شود و مابقی مفعول‌ها منصوب می‌مانند

اَرَى اخوك العلم مفيدا

و نشان داده شده است که علم که مفید است...

که حال است

فعل مجهول نائب فاعل مفعول تمام منصوب

مرفوع و فاعل به او

مفعول بوده است

۳۳: اگر در نظر داشتیم که جانشین فاعل شود، هر دو طرف مقصور و مخفص شد

نائب

اجازتین نائب فاعلی کنیم.

«حوب می‌شده شد.»  
فُحِبَّ فُحِبَّ فُحِبَّ  
نفل مجزول      صفت  
مصدر نائب فاعل، مقترن  
با صفت محقق شده

سُحِبَتْ لَيْلَةُ الْإِنْسِ بِالْقَوْلِ  
«زنه لیل داشت بشرب انس باقران»  
نفل مجزول ظرف      مقترن که به واسطه انس محقق شده و نائب فاعل است.

نکته: «سبحان» فقط مصدر است و هیچ نقشی نمی‌تواند بپذیرد.

مصدری که استفاعی شود خاص مصدریت و ظرفیت نباشد و بتواند نقش‌های

دیگری بپذیرد. بنابراین سبحان می‌تواند مصدر و لای و رازا جهت ظرف غیر متصرفند

یوای محقق شدن هم ۲ راه دارد: ۱- وصف ۲- اضافت

نفل جامد هیچ گاه مجزول نمی‌شود.